



تقویم تاریخ

این شرحی نهایت

گناهای که باعث نزول عذاب می‌شوند: ستم کردن شخص از روی آگاهی، تجاوز به حقوق مردم و دست‌انداختن و مسخره کردن آنان.

امام سجاده (ع)

ارغنون عاشقان

خیم تهی گشت و هنوزم جان ز می سیراب نیست
خون تو هست آخرای دل، گر شراب ناب نیست
ناله زنجیر مجنون ارغنون عاشقان بست
ذوق آن آندازه گوش اولوالالباب نیست
عشق خصم من بس ستای چرخ، نوز حجت مکش
هر کجا جلا باشد حاجت قصاب نیست
پادشا گو خون بریز و شحنه گو گردن بز
بهر جانی ترک جانان مذهب احباب نیست
هان وهان ای عاقل، از غمخواری ما در گذر
کلندین ره بهتر از دیوانگی اسباب نیست
گر جمال دوست نبود، با خیاالش هم خوشم
خانه درویش را شمع می به از مهتاب نیست
کافرا، مردم شکارا، یک زمان آهسته تر
کاهوی بیچاره را با تیر ترکان ناب نیست
دل کز آن من نشد چندین چه گردد گرد تو
آخر اندر ترکش ات یک ناکو پر تاب نیست
گفتی اندر خواب گه گوی خود بنمایم
این سخن بیگانه را گو، کاشنا را خواب نیست
تنه خواهی مردن ای دل، زان نخذان باز گرد
چانه او گر بکاو خون براید آب نیست
خسرو، زانر بند اول پس آن گه سجده کن
پیش آن ابرو که بتخانه است آن، محراب نیست
امیر خسرو دهلوی

رخداد

امضای قرارداد پاشی بین عثمانی و روسیه، منجر به پایان جنگ‌های قرن ۱۸ اروپا (۱۷۹۲ میلادی)
تحويل نخستین جنگنده اف-۱۴ آمریکایی به ایران در نیویورک (۱۳۵۴ خورشیدی)
سقوط یک فروند هواپیمای فالکن-۲۰ در شمال غرب ایران و شهادت تعدادی از مقامات ارشد نظامی از جمله سردار احمد کاظمی (۱۳۸۴ خورشیدی)
سقوط پرواز شماره ۱۲۷۷ ایران ایر در ارومیه و کشته شدن ۷۷ نفر از سرانشینان آن (۱۳۸۸ خورشیدی)

طلوع

جیوانی باپینی- نویسنده و فیلسوف معروف ایتالیایی، صاحب آثاری چون: سپیده دم فلسفه، مرد تمام، سعادت موجودی تیرروز (۱۸۸۱ میلادی)
سیمون دوبوار- فیلسوف و نویسنده اگزستانسالیست فرانسوی (۱۹۰۸ میلادی)
ریچارد نیکسون- سی و هفتمین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا از حزب جمهوریخواه، تأثیرگذار بر اتفاقاتی چون: پایان جنگ ویتنام، برقراری رابطه آمریکا با چین، رسوایی واترگیت (۱۹۱۳ میلادی)

غروب

مارکو پولو- تاجر و جهانگرد ونیزی، نویسنده کتاب مشهور سفرهای مارکو پولو، دارای نقشی مهم در شناساندن آسیای مرکزی و چین به اروپاییان (۱۳۳۴ میلادی)
ماریا گائتانا آتیزی- زبان‌شناس، ریاضیدان و فیلسوف، نویسنده نخستین کتاب حساب دیفرانسیل و انتگرال (۱۷۹۹ میلادی)
کنیچی فوکویی- شیمیدان ژاپنی، برنده جایزه نوبل شیمی سال ۱۹۸۱ به همراه رولدلفامن برای تحقیق روی اوربیتال مولکولی در واکنش‌های شیمیایی (۱۹۹۸ میلادی)

قاب کوچک



سرهای شکاری که این روزها بخش‌های شمالی چین را احاطه کرده میمون‌های ماکا را هم تحت تأثیر قرار داده است. گنجگاو برای کشف اسرار یک دوربین دیجیتال و لنز غول‌پیکرش شاید بتواند اندکی از سوز زمستان اسماں بکاهد. عکس: AFP

نگاه

یک گپ دوستانه



مریم سمیع زادگان
نویسنده

سلفه‌های به پهلوی نعل دستی‌اش زد و پرسید: «چرا دغی؟» دخترک توضیح داد: دیشب زن عموش زنگ زده و از مادرش ۱۰۰ هزار تومن پول خواسته گفت: «عمو و زن عموم هر دو زمانی کارمند بوده‌اند و چندسالی هست که بازنشسته شده‌اند از خودشان خانه دارند و خوشبختانه نباید اجاره خانه بدهند. اهل برزیوباش هم نیستند.» صدایش خسته بود و لحنش نامید، وقتی گفت: «فرض خواستن زن عمو فکرم را بدجور مشغول کرده، چرا باید معطل ۱۰۰ هزار تومن پول باشم؟ چرا باید توی این سن وسال زنگ بزنی و از جاری‌اش پول بخواهد؟» تعجب کردم. حرفش و لحنش غافلگیرم کرد. فکر می‌کردم دغدغه بچه‌های این نسل مارک گوئی و مدل خودرو و برند لباسشان باشد، حالا یکی از همین بچه‌ها نگران عمو و زن عموی بازنشسته بی‌پولش بود، زیر چشمی نگاهش کردم. صورت ساده و معصومی داشت. چشمش افتاد به چشم من و بی‌وجه به نگاه من ادامه داد: «حسی می‌کنم توی یکای قیاس شکسته وسط دریاییم، پارو می‌زنیم و خوشحالم که زنده‌ایم.» بقیه با تعجب نگاهش کردند، معلوم نبود سکوتشان به معنی تأیید است یا چیز دیگر. سکوتی برقرار شد، آنها با خوردن چیپس شان مشغول شدند و من با کتابم که صدای یکی از آنها من را برگرداند توی جمع‌شان: «آن خانم را می‌بینید بربری به دست می‌آید؟ فکری خاتم همسایه ما است، مادر می‌گوید تو هنوز به دنیا نیامده بودی که خبر مفقودالاتر شدن پسرش را آوردند. فکر کنم سی‌سال می‌شود که امیدوار، منتظر نشسته تا پسرش برگردد.» سر بلند کردم سمتی که دختر با ابرو نشان داد. خاتم منی از دور می‌آمد، مانتوی سبز بلندی به تن داشت و یکی از پاهایش را روی زمین می‌کشید. آمد و رسید به نیمکتی که من روی آن نشسته بودم. توی یک دستش نان و کف دست دیگرش گلدان سبز کوچکی داشت. نگاه کنجکاو را که دید، لبخندی زد و نان را گرفت سمتم، گفت: «بفرمانان تازم.» چشم افتاد به چین و چروک‌های زیر چشمش. زیاد بود، خیلی زیاد، شاید سی تا به اندازه تمام‌سال‌های انتظارش.

پارک شهر



علی کتخزاده
روزنامه‌نگار

در بی‌رخدادهای اخیر اعتراضی در کشور و افزایش آن به پاره‌های رفتارهای تخریبی و خشونت‌آمیز، مجدداً بحث بر سر ضرورت فیلترینگ و حذف تعدادی از شبکه‌های پیام‌رسان بالا گرفت. مواضع حذف و فیلتر اظهار می‌دارند که تعدادی از کانال‌های پیام‌رسان به‌ویژه در پیام‌رسان تلگرام، تشویق‌کننده ناآرامی‌ها و تحریک‌کننده اقدامات خشونت‌آمیز بودند و با حذف و فیلتر این شبکه ارتباطی، ناآرامی‌ها فروکش کرد، اما شاید بتوان از زاویه‌ای دیگر نیز به این موضوع پرداخت. امروز که این یادداشت نوشته می‌شود، تقریباً همه مردمی که پیگیر رخداد‌های اخیر بوده‌اند این اطلاعات را قارغ از این که موافق یا مخالف آن هستند- دارند: مالباختگان موسسات مالی، حواله‌های تعیین تکلیف وضع خود هستند، موسسات مالی مذکور در دولت قبل فیلتر غیر قانونی خود را شروع کردند و دولت روحانی نقشی در آن نداشته است (دولت در صدد راهمایی برای پرداخت و جبران خسارات مالباختگان است/ معترضان باور به این قول‌ها ندارند. این اعتراض‌ها زنده/ تعدادی از مالباختگان خود را به دولت بالا گرفت/ در مشهد که خاستگاه مهم شکل‌گیری این موسسات است، معترضان رسماً روحانی را نشانه گرفته و علیه او شعارهای تند دادند. گروه‌های سیاسی مخالف دولت نقشی اصلی را در تحریک معترضان داشتند تا به دولت فشار بیاورند/ طرفداران احمدی‌نژاد نقش داشتند/

یکی از کارگرهای شبکه‌های اجتماعی

طرفداران احمدی‌نژاد و گروه‌های مخالف دولت نقشی نداشتند بلکه مردم از دولت وعده‌هایشان ناامید شدند/ بودجه تقدیمی و افزایش هزینه‌های مختلف مردم با معترض‌ها در معرض کرده است/ مردم با تخصیص بودجه‌های قابل توجه برای پاره‌ای از سازمان‌ها و نهادها مخالف هستند/ بسیاری از کارگران می‌خواهند دولت کاری نکرده است/ اعتراضات مردم بیش از موضوع گرانی است، چون بسیاری از شرکت‌کنندگان در این اعتراضات بیگانه نیستند/ فسادهای مکرر و این تلقی که کاری برای مقابله با آن نشده در اعتراضات نقش دارد/ اعتراضات به شهرهای مختلف کشیده شد/ سازمان‌ها و تشکل‌های مخالف جمهوری اسلامی در تحریک و هدایت معترضان نقش دارند/ اپوزیسیون نقش تعیین‌کننده در این اعتراضات ندارد/ در تعدادی از نقاط کشور اعتراضات به صورت کشته‌شدن ۱۱ نفر کشته شدند/ اوغفر از کشته‌شدگان کودک و ببری هستند که افرادی بسا تصادف بود/ خورده‌های آتش‌نشانی آن را به سمت خودروی آنها هل دادند و آنها بر اثر این تصادف کشته شدند/ تعدادی دانشجویان داشتند/ اقوه قضاییه و دادستانی خواهان تفکیک افرادی است که به واسطه احساسات درگیر این ماجراها شدند و آنها که سازمان یافته دست به تخریب زدند/ تعدادی از نمایندگان و شخصیت‌های حقوقی و کارشناسان اعلام کردند که مردم حق اعتراض دارند/ کشورهای خارجی نقش داشتند/ کشورهای خارجی نقشی نداشتند/ دولت ترامپ حمایت کرد/ آمریکا خواهان تشکیل جلسه شش‌سویاری امنیت سازمان ملل در این خصوص شد/ تعدادی از بازداشت‌شدگان آزاد شدند...

از هر دری سخنی

امان از کم‌فروشی

چند روز پیش برای خرید شیرینی به یک قنادی رفتم. پس از انتخاب شیرینی، برای پرداخت مبلغ آن به صندوق مراجعه کردم. آقای صندوقدار مردی حدوداً ۵۰ ساله به نظر می‌رسید. بسا موهای جوگندی، ظاهری آراسته، هنگام وزن کردن شیرینی‌ها، اتفاقی افتاد عجیب غریب! آقای شیرینی فروش جعبه را روی ترازوی دیجیتال قرار داد، بعد با استفاده از جدول مقابله وزن جعبه را از وزن کل کم کرد. سپس وزن خاصی را در قیمت شیرینی ضرب کرد و خطاب به من گفت: «۲۸۰ تومان قیمت شیرینی به اضافه ۵۰ تومان جعبه می‌شود به عبارتی ۳۳۰ تومان!» نمی‌دانم مطلع هستم یا خیر؟ ولی بیشتر شیرینی‌فروشی‌های شهرمان، جعبه را هم به قیمت شیرینی به خلق الله می‌فروشند. اما فروشنده مذکور چنین کاری نکرد. شیرینی را به قیمت شیرینی فروخت و جعبه را به قیمت جعبه کاری که شاید در ذهن شما خواننده عادی باشد ولی در این صنف و در این شهر به غایت نامعمول و نامعقول و رودربایستی را کنار گذاشته و فروشنده پرسیدم: «چرا این کار را کردید؟» ابتدا لیخن زد و بعد که اصراً مرادید، اشاره کرد که گوشم را زد یک گفت: سرش را جلو آورد و با لحن دانشبنی گفت: «وای بر کم‌فروشان! داد از کم‌فروشی!» پرسیدم: «یعنی هیچ وقت و سوسه نمی‌شود؟» هیچ وقت هوس نمی‌کنید این سود بی‌رحمت را... حرفم را قطع می‌کند: «چرا خیلی وقت‌ها هوس می‌کنم، ولی این را که می‌بینم...» و اشاره می‌کند به شیشه میز زیر ترازو. چشم می‌دوزم به نوشته زیر شیشه: «امان از لحظه غفلت که شاهدم هستی.» راستی ما کم‌فروشی نمی‌کنیم؟ کم‌فروشی کاری، کم‌فروشی تحصیلی، گاهی حتی کم‌فروشی عاطفی، کم‌فروشی در عبادت، کم‌فروشی انسانی، روزنامه خواندن در ساعت کاری و گشت و گذارهای اینترنتی...

مشکل دیگری

موشی در خانه تله موش دید. به مرغ و گوسفند و گاو خبر داد و همه گفتند: «تله موش مشکل توست به ما ربطی ندارد.» ماری در تله افتاد و زن خانه را گزید. از مرغ خبر دادند و گوسفند در تله افتاد. ماری برای عیادت کنندگان سر بردند. گاو را برای مراسم ترحیم کشند و تمام این مدت موش در سوراخ دیوار می‌نگریست و می‌گریست!

پیشخوان

در نای یک ناجی محیط زیست



با عنوان «کم‌آزاری و حفظ محیط زیست» که آن را به اسکندر فیروز تقدیم کرده می‌نویسد: «کم‌آزاری مفهوم نسبتاً جدیدی است در میان نویسندگان و شعرا ایرانی در دوره اسلامی که در فلسفه اخلاقی ایران پیش از اسلام نیز سابقه داشته است. اهمیت این مفهوم را نخستین بار دوست گرمی و عزیزم آقای دکتر اصغر دابره در مقاله‌ای با عنوان سده‌ی و نظریه اخلاقی کم‌آزاری نوشته است. مفهوم کم‌آزاری نزدیک به مفهوم بی‌آزاری است و هندیان به آن اهمیستی می‌بخشند. می‌گویند منظور از کم‌آزاری در متون ادب پارسی همان بی‌آزاری است. کم‌آزاری توصیه‌ای است که از قدیم بزرگان دینی همواره به پیروان خود می‌کرده‌اند. در ایران سابقه بی‌آزاری به پیش از اسلام می‌رسد.

گرمی داشت اسکندر فیروز، بنیان‌گذار سازمان حفاظت محیط زیست موضوع اصلی شماره سوم فصلنامه طبیعت و محیط زیست «صنوبر» ویژه‌مستبان ۱۳۹۶ را تشکیل می‌دهد. مانیاشاهی در سخن سردبیر این شماره از مجله صنوبر به استناد اسکندر فیروز پرداخته و در این خصوص می‌نویسد: «اسکندر فیروز، بنیان‌گذار سازمان حفاظت محیط زیست ایران بوده است و او را پدر محیط زیست ایران نیز می‌نامند. او فرزند محمدحسین فیروز و نوه عبدالحسین میرزا فرمانفرما است و کارنامه بسیار در خسانی در حفاظت محیط زیست ایران دارد، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، تعیین مناطق چهارگانه حفاظت، کنوانسیون رامسر، باغ گیاهشناسی، طرح پارک پردیسان و بسیاری از نقاط درخشان دیگر در زمان خدمت ایشان اتفاق افتاده است.» نصرالله پورجوادی نیز در بخش دیگری از این شماره در مطلبی